

Excellence of Human Character in the Poems of Simin Behbahani Based on the Theory of Erich Fromm

Zahra Ghanbarali Baghni 

Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature, Applied Linguistics Research Center, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran

Shahin Ojaghalizadeh 

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Applied Linguistics Research Center, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran

Abstract

Human beings today, due to the growth of industry and technology, have departed from ethical standards and values, so they need to do everything in their power to promote this vitality. Erich Fromm does not consider psychology to be separate from ethics, so he views human nature and personality in life as a combination of non-fertile orientations, including recipient, exploitative, market-oriented, and fertile and spontaneous. He extensively values human dignity because he believes in the principle of humanity in the life of humanism. Man has a high place in Behbahani's poetry because he believes in the existence of the Necessary Being and believes in it as a source of power beyond man. The purpose of this essay is to analyze the orientations of personality (fertile and non-fertile) in the psycho-sociological approach of Erich Fromm in Simin Behbahani's poems in order to understand his personality and thoughts more and more. The research method in this study is analytical-descriptive. Behbahani and Fromm consider man's place in existence, his evolution, prosperity, and achievement of goodness and transcendence, but the obvious difference between them is the man-centered forum and religion-centered behavior.

Keywords: Erich Fromm, Human Excellence, Simin Behbahani, Fertile and non-Fertile Orientations, Human-Centered, Authoritarianism.

* Corresponding Author: alizade@riau.ac.ir

How to Cite: Ghanbarali Baghni, Z., Ojaghalizadeh, Sh. (2022). Excellence of Human Character in the Poems of Simin Behbahani Based on the Theory of Erich Fromm. *Literary Text Research*, 26(91), 235-261. doi: 10.22054/LTR.2020.43310.2719

تعالی شخصیت انسان در اشعار سیمین بهبهانی بر پایه نظریه اریک فروم

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، مرکز تحقیقات زبان‌شناسی کاربردی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

zhera.farhang@atu.ac.ir

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، مرکز تحقیقات زبان‌شناسی کاربردی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

shahin.ahmadi@atu.ac.ir

چکیده

انسان در عصر حاضر به دلیل رشد صنعت و تکنولوژی از معیارها و ارزش‌های اخلاقی فاصله گرفته است، بنابراین، برای تعالی نیاز دارد از هر آنچه می‌تواند به تقویت این مهم یاری رساند، بهره بگیرد. اریک فروم روان‌شناسی را جدا از اصول اخلاقی نمی‌داند؛ از این رو، منش و شخصیت انسان در زندگی را ترکیبی از جهت‌گیری‌های غیربارور که شامل گیرنده، استثماری، بازاری و مال‌اندوز و جهت‌گیری بارور و خودانگیزته می‌داند. وی به گونه‌ای افراطی به ارزش و مقام انسان ارج می‌نهد، زیرا تحت تفکر اومانیزم به اصالت و محوریت انسان در زندگی معتقد است. انسان در اشعار بهبهانی جایگاه والایی دارد، زیرا وی به وجود واجب‌الوجود ایمان داشته و به آن به عنوان مرجع قدرتی فراتر از انسان معتقد است. هدف از این جستار تحلیل جهت‌گیری‌های شخصیت (بارور و غیربارور) در رویکرد روان‌شناختی - جامعه‌شناختی اریک فروم در اشعار سیمین بهبهانی برای شناخت هرچه بیشتر شخصیت و افکار اوست. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی - توصیفی است. بهبهانی و فروم جایگاه انسان در هستی، تکامل، سعادت و رسیدن او به خیر و تعالی را در نظر دارند، اما تفاوت بارز میان آن‌ها انسان‌محور بودن فروم و دین‌محور بودن بهبهانی است.

کلیدواژه‌ها: اریک فروم، تعالی انسان، سیمین بهبهانی، جهت‌گیری‌های بارور و غیربارور، انسان‌محور، اقتدارگرایی.

مقدمه

شناخت سرشت واقعی انسان و جایگاه او در نظام هستی از محوری ترین و پیچیده ترین مسائل اندیشه بشر است. تلاش برای شناخت حقیقت و ماهیت انسان، تاریخی به بلندای تاریخ حیات او دارد، اما نه تنها به شناخت کامل او منتهی نشده، بلکه او را به معمای هستی تبدیل کرده است. در علم روان‌شناسی مطالعه شخصیت و نقش آن در تعالی انسان، جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا روان‌شناسان محور اصلی فعالیت خود را مطالعه روان، شخصیت و رفتار انسان می‌دانند. ارزش مطالعه نظریه‌های شخصیت در این است که عدم توافق در بین نظریه‌ها به معنی ناکارایی آن‌ها نیست، بلکه هر یک از نظریه‌های شخصیت بینش و فهم شگفت‌انگیزی را درباره ماهیت، رشد و تعالی انسان به دست می‌دهند. از جمله روان‌شناسانی که به نمودهای اجتماعی و روان‌شناسی انسان به صورت ویژه توجه می‌کنند، اریک فروم^۱ است.

«اریک فروم نظریه‌پردازی است که در روان‌کاوی اجتماعی، انسان‌شناسی، روان‌شناختی، جامعه‌شناسی انتقادی به ویژه در زمینه تغییرات اجتماعی و ساخت جوامع انسان‌گرای آینده، بنیان‌گذار بوده است» (آرون، ۱۳۷۶). وی در عین حال که یک اومانیسیم^۲ است، یک اگزیستیالیسم^۳ نیز است. خود فروم بر انسان‌محور بودنش بیشتر تأکید دارد، اما از آنجایی که نگرش او به انسان منتهی به انسان‌شناختی بر پایه روان‌شناسی شده و اعتقاد وی به تقدم وجود انسان و خواست وی بر ماهیتش در تحلیل‌های روان‌شناسانه فروم بارز است، موجب اثبات این نام برای او شده است. در واقع «با تمام اختلافات میان متفکران اگزیستانس، برخی ویژگی‌های مشترک میان آن‌ها وجود دارد. یکی از این ویژگی‌های مشترک این فلاسفه که علت نام‌گذاری آنان نیز تلقی می‌شود، این است که همه آن‌ها معتقدند وجود انسان بر ماهیتش مقدم است. منظور فلاسفه اگزیستانس از این ایده، این است که فقط انسان بر حسب علاقه و انتخاب خودش ماهیت خودش را می‌سازد» (دهقان سیمکانی، ۱۳۹۱).

سیمین بهبهانی نه تنها گرایشی به انسان‌محور بودن و اندیشه‌های این مکتب ندارد، بلکه به وجود واجب‌الوجود ایمان داشته و به آن به عنوان مرجع قدرتی فراتر از انسان، وابسته است. اندیشه استبدادستیزی وی که اقتدارگرایی مستکبرین را بر نمی‌تابد، موجب اندک تشابهی میان اندیشه او با تفکرات اریک فروم است، چنان که فروم نیز با هرگونه اقتداری که

1. Fromm, E.

2. Humanism

3. Existentialism

اختیار را از دیگران سلب می‌کند، مخالف است. بهبهانی و فروم جایگاه انسان در هستی، تکامل، سعادت و رسیدن او به خیر و خوبی را در نظر دارند، اما تفاوت بارز میان آن‌ها انسان‌محور بودن فروم و دین‌محور بودن بهبهانی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای است که با روش تحلیلی-توصیفی و با سود جستن از منابع و مأخذ مکتوب در زمینه ادبیات و روان‌شناسی به بررسی این عوامل پرداخته شده است.

هدف از این جستار، تحلیل جهت‌گیری‌های بارور و خودانگیخته و غیربارور منش انسان که در چهار بعد: گیرنده، استثماری، بازاری و مال‌اندوز براساس نظریه فروم در دیوان سیمین بهبهانی است که از این طریق بتوانیم به شناخت برخی از خصوصیات شخصیتی و روانی بهبهانی دست یابیم. همچنین بررسی اندیشه انسان‌مدارانه در رویکرد روان‌شناختی فروم و تشابه و تفاوت این اندیشه‌ها با افکار سیمین بهبهانی پیرامون اندیشه فروم و تقابل آن با اقتدارگرایی و تحکم بر انسان است. این جستار در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که چه تشابه و تفاوتی میان مراحل تعالی شخصیت در دیدگاه فروم در مقایسه با اشعار سیمین بهبهانی وجود دارد؟ همچنین جهت‌گیری‌های بارور و غیربارور در نظریه اریک فروم چه نمودی در اشعار بهبهانی دارد؟

۱. بیان مسأله

انسان امروز به دلیل اشتغال بیش از حد در زندگی صنعتی، ماشینی و دیجیتالی به شدت از مسیر تکامل روحی-روانی خود فاصله گرفته است؛ همان‌طور که در غرب روزگاری افراط در امور مذهبی و ایدئولوژیک باعث ظهور اومانیزم شد، امروزه خردگرایی محض و مادی موجب فاصله گرفتن انسان از هویت خود شده است. اصل اومانیزم^۱ یا انسان‌محور بودن طبق

۱. واژه اومانیزم «برگرفته از واژه لاتین هومو (Homo) به معنی انسان است.» (معین، ۱۳۸۲: ذیل واژه اومانیزم) در فرهنگ لغت انگلیسی-فارسی واژه‌های «انسان‌گرو، انسان‌گرایی، انسان‌باوری و اصالت بشر» (باطنی، ۱۳۹۶: ذیل لغت Humanism) به عنوان معادل‌های این واژه آمده است. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد ذیل لغت Humanism آورده است:

A system of beliefs that concentrates on common human needs and seeks ways of solving human problems based on reason rather than on faith in god. (sterenson 2010, Humanism) .

نظر فروم گونه‌ای دیگر از عقاید آزادی خواهانه انسان از وابستگی و مرجع قدرت است و رویکرد او به انسان مدار بودن شامل پردازش اصول بارز اخلاقی برای تبیین تکامل بشر از منظر روان‌شناسانه است. در این گرایش، فروم به بحث دربارهٔ هنجارها و ارزش‌هایی می‌پردازد که به درک نفس و توانایی‌های انسان کمک می‌کند. پردازش فلسفه و اصول اخلاقی انسان امروز در راستای تحلیل علت اینکه با وجود فراهم آمدن شرایط رفاهی بیشتر برای انسان و اندیشهٔ تملک در بسیاری از امور، چرا انسان امروز هنوز دچار سرگشتگی و احساس بیهودگی است. به نظر فروم انسان عصر حاضر از مهم‌ترین مسألهٔ هستی انسان که همان هنر زیستن برای خود انسان است، غافل مانده است. به تعبیر دیگر، آنکه انسان با پیشرفت در زندگی مادی به ظاهر بر ماشین و زندگی ماشینی تسلط یافته و حکومت می‌کند. اما در واقع این زندگی ماشینی است که بر وی حکمرانی می‌کند و او را در بند هنجارهایی چون عقاید عمومی، وابستگی و هم‌زیستی گرفتار کرده و آزادی و رهایی واقعی را از نفس او ربوده است.

فروم معتقد است: «هدف انسان این است که خودش باشد و شرط رسیدن به آن هدف نیز در این است که انسان برای خویشتن باشد»^۱ (فروم، ۱۳۷۰). فروم برای گریز از این احساس ناخوشایند بشر را به مسیری فرا می‌خواند که براساس آن به پیروی از هنجارهای اخلاقی انسان‌محور رهنمون می‌شود. وی انسان را منبع ارزش‌ها می‌داند و معتقد است انسان برای گریز از مرگ یا به مذهب پناه می‌برد یا خود را در لذت و شادی زندگی غرق می‌کند^۲ و یا به زندگی بارور و خودانگیخته روی می‌آورد که باعث ایجاد خلاقیت و نوآوری در

در واقع اومانیزم به عنوان یک نظام فکری و یکی از اصول اصیل مدرنیته، به معنای «انسان‌محوری» عبارت است از شیوهٔ فکری و حالت روحی‌ای که شخصیت انسان و شکوفایی کامل او و نیز عمل موافق با این حالت و شیوهٔ فکر را بر همه چیز مقدم می‌شمارد. (مشکات، ۱۳۹۰).

۱. فرانکل «فرا رفتن از خود» را به توانایی چشم انسان تشبیه می‌کند که می‌تواند هر چیزی را ببیند، اما هرگز خودش را نمی‌بیند، مگر آنکه به بیماری آب مروارید مبتلا شده باشد. (فرانکل، ۱۳۸۳)

۲. نیاز به تعالی، رشد و شخصیت انسان در نظریهٔ فروم با وجود تفاوت‌ها که با نیاز به تعالی خویشتن در نظریهٔ فرانکل دارد با آن شباهت‌هایی دارد. فرانکل معتقد است: «لذت و قدرت هیچ‌یک هدف زندگی و معنابخش آن نیستند و هر چه آن‌ها را بیشتر هدف قرار دهیم سرخورده شده بیشتر از آن دورتر می‌شویم. لذت، محصول فرعی تلاش‌های انسان برای رسیدن به معنا و قدرت وسیله رسیدن به هدف است.» (فرانکل، ۱۳۸۱).

تکامل انسان می‌شود. در این مفهوم انسان با به کار گرفتن توانایی‌های بالقوه خود در اجتماع می‌تواند خویشتن خود را تعالی و کمال ببخشد.

۲. پیشینه پژوهش

پیش از پژوهش حاضر به دلیل دیدگاه تطبیقی نظریه اریک فروم با سیمین بهبهانی، پژوهش‌های دیگری در این زمینه انجام شده است. به عنوان نمونه، می‌توان به مقاله «نشانه‌های رشد و تباهی در شعر سیمین بهبهانی براساس نظریه اریک فروم» از زری فام و دهقان (۱۳۹۳) که نمودهایی از رشد مانند عشق به زندگی و انسان و تقابل آن با تباهی مانند عشق به مرگ و خودشیفتگی مورد واکاوی قرار گرفته است، اشاره کرد. در مقاله «بررسی مبانی انسان‌شناسی دیدگاه‌های اریک فروم» از مصباح و محیطی اردکانی (۱۳۸۹) مبانی انسان‌شناسی مانند اومانیزم، ماهیت انسان، دین و از خودبیگانگی را با توجه به معارف اسلامی مورد نقد قرار گرفته است. مقاله «عشق از دیدگاه سعدی و اریک فروم» از نظری و کمالی (۱۳۹۴) به بررسی انگیزه‌های عشق‌ورزی و ماهیت آن پرداخته شده است. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، جست‌وجوها نشان می‌دهد هیچ پژوهش مستقلی با عنوان «تعالی شخصیت انسان در اشعار سیمین بهبهانی بر پایه نظریه اریک فروم» تاکنون صورت نگرفته است.

۳. اریک فروم و نظریه منش و جهت‌گیری‌های شخصیت

اریک فروم، روان‌شناس و جامعه‌شناس آلمانی است. شاخص مهم دیدگاه وی اندیشه انسان‌گرایانه اوست و وجه خاص انسان‌مداری او شناخت نقش و اهمیت شخصیت انسان در فرآیند تشکیل جامعه و تاریخ است. او در این دیدگاه در پی برپاسازی جامعه‌ای سالم برای انسان است تا در آن انسان به کشف هستی بزرگ بشری، عشق، تعالی، رشد و کمال پردازد. اریک فروم دو دیدگاه برای منش انسان در نظر می‌گیرد؛ جهت‌گیری بارور یا متعالی - انسانی و جهت‌گیری غیربارور. وی در برابر جهت‌گیری بارور که متعلق به تعالی شخصیت انسان است، چهار جهت‌گیری غیربارور یا انحطاطی از جمله: جهت‌گیری گیرنده، استثمار، مال‌اندوز و بازاری را برمی‌شمارد.^۱

۱. در نقد نظریه فروم می‌توان گفت که منش ویرانگری، جنگ، شکنجه، سادیسم و سلطه‌گری جایی در میان جهت‌گیری‌های انحطاطی نمی‌یابد و از قلم می‌افتد.

اریک فروم در کتاب «دل آدمی و گرایشش به خیر و شر» به «انسان‌گرایی دیالکتیک» (فروم، ۱۳۸۷) از نظر ساختار شخصیتی انسان‌ها اشاره می‌کند و معتقد به این اصل است که «شخصیت‌ها سازنده اجتماع نیستند، بلکه این اجتماع است که شخصیت‌ها را می‌سازد» (سیاسی، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر، اختلاف شخصیت‌ها ناشی از اختلافات اجتماعات بشری است. نوع عمل اشخاص را همیشه احکام ارزشی؛ یعنی اصول و موازین اخلاقی که زاده اجتماع هستند، تعیین می‌کنند. بنابراین، چنین نگرشی نسبت در اخلاق را به دنبال دارد، چراکه در این نظریه، انسان موجودی تأثیرپذیر و منفعل معرفی می‌شود که در مقابل تأثیرات محیطی و ارثی، سر تعظیم و تسلیم فرود می‌آورد و هیچ‌گونه خاصیت تأثیرگذار بر نهاد انسان متصور نیست.

آنچه فروم تحت جهت‌گیری‌های مختلف مطرح می‌کند در واقع اشکال و صور مختلف تحقق نفس فردی است که هر یک حول یکی از صفات خاص نفسانی متمرکز شده است. او در کتاب جامعه سالم، معتقد است که «صورت غالب منش قرن بیستم منش بازاری است که بر مبنای آن شخصیت هر انسانی به عنوان کالایی برای مبادله در بازار شخصیت مطرح می‌شود» (فروم، ۱۳۹۴).

فروم مدعی است که منش بارور که او مطرح می‌کند تنها صورت سالم شخصیتی است و به واسطه پیروی از اخلاق و وجدان انسان‌گرایانه و عشق بارور پدید می‌آید. او کوشیده است دیدگاهی خوش‌بینانه به انسان ارایه کند و او را برای تلاش بیشتر در جهت پرهیز از فردیت‌گرایی، لذت‌طلبی، تأمین امنیت و وابستگی انسان حرکت به سوی عشق و فراهم کردن شرایط اجتماعی مناسب و ایجاد جامعه سالم برای رسیدن به نیازهای سالم را پیشنهاد کند. فروم تلاش می‌کند در فاصله میان تولد و مرگ فرصتی را برای آفرینندگی بیفریند و آن را با نیاز به تعالی مطرح می‌کند. در این نوشتار بر اساس الگوها و تقسیم‌بندی‌های فروم به تحلیل و واکاوی - هر چند مختصر - اشعار بهبهانی پرداخته شده است. تا طبق منش و جهت-گیری‌های بارور و غیر بارور به شکوفایی و تعالی شخصیت انسان پرداخته شود.

۴. بحث و بررسی

فروم در بررسی هنجارهای اخلاقی به تفاوت موجود در معیارهای اخلاقی قدرت‌گرا و انسان‌گرا اشاره دارد و تفاوت بارز میان آن‌ها را جبر‌گرایی و اختیار می‌داند؛ در آیین قدرت-گرایی هنجارها و نبایدها توسط مرجع قدرت تعیین می‌شود، اما در اصول اخلاقی

انسان محور که بر پایه انسان است، واضح و تابع هنجارها خود انسان است. در نظام اقتدارگرایی استبداد، استثمار، عدم انتقادپذیری، قدرت و ترس و به عبارت واضح تر ظلم و خفقان حاکم است. بهبهانی در اشعارش به گسترش نظام‌های دیکتاتوری و مستبد در اقصی نقاط جهان که بر پایه آیین اقتدارگرایی بنا شده است، چنین اشاره می‌کند:

من با توام ای رفیق! با تو!	دیری ست که با تو عهد بستم
رنجی که تو برده‌ای ز غولان	بر چهر من است نقش بسته
زخمی که تو خورده‌ای ز دیوان	بنگر که به قلب من نشسته!
تو یک نفر... نه! بیشماری:	هرسو نظر کنم، تو هستی!
یک جمع به هم گرفته پیوند	یک جبهه‌ی سخت بی شکستی!
زردی؟ نه! سفید؟ نه! سیاه؟ نه!	بالاتری از نژاد و از رنگ و زهر کجایی

(بهبهانی، ۱۳۹۴)

سلطه این اقتدار و رنج حاصل از آن چنان است که بهبهانی زندگی را قفسی تنگ و تاریک و اقتدارگرایان را غولان و دیوان بدنهادی می‌داند که عرصه را بر انسان تنگ کرده‌اند. وی در ادامه گستره و دامنه قدرت طلبی خود کامگان و استثمارگران را به وسعت شرق تا غرب می‌داند و با اشاره به سه رنگ زرد، سفید و سیاه به تفاوت نژادی انسان‌ها از سرتاسر جهان که در طول تاریخ مورد ظلم مستبدین قرار گرفته‌اند، اشاره کرده است. شاید دلیل بدبینی بهبهانی به حاکمان، اوضاع کشور در سال‌های دهه ۲۰ و بعد از آن است که نابسامان و آشفته بود. «محرورترین طبقه شهری، جمعیت حاشیه‌ای شامل خدمتکاران، شبگردها، کارگران نیمه وقت، گدایان و روسپیان و دزدان بود. اینان که از قبل نیز تهیدست‌ترین مردم شهرها بودند با کاهش درآمد روبه‌رو شدند. در دوره رضاخان، زنان از حق رأی برخوردار نشدند و جنبش‌های زنان از خودجوشی و فعالیت و سرزندگی چندانی برخوردار نبود» (حسن لی، ۱۳۸۵). وی اولین اشعارش را در این دهه سرود. بنابراین، اوضاع جامعه در ناامیدی حاصل از قدرت طلبی حاکمان آن دوره در سروده‌های وی تأثیر بسزایی داشت!

۱. برای توضیحات بیشتر درباره جایگاه امید در اشعار بهبهانی ر.ک «بررسی مفهوم امید در شعر سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریات اریک فروم» (۱۳۹۶).

در مکتب اومانیسیم دغدغه اصلی عمل به خواست انسان است، نه خواست خداوند. این مکتب خداوند را چون دیگر قدرت گرایان مستبد و استثمارگر می‌داند، اما بهبهانی نسبت به مقام خداوند و جایگاه انسان چنین دیدگاهی ندارد. در واقع اگر بخواهیم وجه اشتراکی در عقیده سیمین با فروم بیابیم این اشتراک تنها در استبدادستیزی وی در برابر مستبدین روی زمین است که از ویژگی‌های روح آزادی‌خواه و بشر دوست وی سرچشمه می‌گیرد، زیرا که خداوند را مرجع اقتدار غیرمنطقی نمی‌داند. چنان که در نمونه پیشین به مخالفت او با استبداد در سرتاسر جهان اشاره شد. در شعر زیر بیان خلوت عارفانه سیمین با معبودش بیان‌گر ایمان او به ذات الهی و گویای دین‌مداری و اعتقاد وی به قدرت برتر است:

رفیق اهل دل و یار محرمی دارم	بساط باد و عیش فراهمی دارم
کنار جو، چمن شسته را نمی‌خواهم	که جوی اشکی و مژگان پُر نمی‌دارم
گذشتم از سر عالم، کسی چه می‌داند	که من به گوشه‌ی خلوت چه عالمی دارم

(بهبهانی، ۱۳۹۴)

نظر بهبهانی در مخالفت با اقتدارگرایان با نظر فروم بی‌شبهت نیست. او نه تنها افکار و آرا سردمداران قدرت و سلطه را فریب و یاوه، وجودشان را بیزار از گرمای آفتاب عشق و مهر بر نوع انسان و خواستشان را هوای خیس (که کنایه از هوای ابری و بارانی که رمز غم و رنج است) می‌داند، بلکه رسالت آنان را ضلالت و گمراهی انسان از خودباوری می‌داند و این دیدگاه به معنای دوری این مدعیان از انسان دوستی و تمایل به قدرت و استبداد بر مردم است:

ای فکرتان زبونی‌ی شب تاب بینوا	بیزار از آفتاب و ملول از هوای خشک
ای پُر فریب یاوه فروشان دوره‌گرد	انباشته به دامن تر، عقل و رای خشک...
گفتی رسالت است؟ دریغا ضلالت است	این چند لفظ بی‌هدف نارسای خشک

(همان)

شاعر در اینجا هدف قدرت‌گرایی را زوال شکفتگی و خار و خس می‌داند که نشان از عدم باروری فرد و دوری از یکی خاستگاه‌های عقیده انسان‌محوری؛ یعنی شادکامی است.

در این شعر، تقابل خاستگاه قدرت‌گرایی و جایگاه و احترام انسان منطبق بر دیدگاه فروم است.

۵. انواع منش و جهت‌گیری‌های شخصیت انسان

با آهنگ صنعتی شدن زندگی، آزادی افراد نیز دچار دگرگونی شده و استقلال و آزادی انسان در اسارت ماشینی شدن نوع زندگی و تکنولوژی جدید درآمد. در چنین جوامع پر از تنش و اضطراب «انسان باید اعتماد به نفس و سلامت روحی خود را از دست ندهد تا بتواند در برابر رشد نظام‌های توتالیتر و ضد آزادی مقاومت به خرج دهد و در کار مبارزه تصویر سازگاری از جهان بسازد که با خرد و عشق به زندگی و آزادی انسان عجین باشد» (فروم، ۱۳۸۰). در ابتدای امر، هدف انسان جدید از جامعه جدید کسب شادکامی و سعادت بود و «فرض بر این بود که رفاه مادی و آسایش همگانی سبب شادکامی عمومی می‌شود. تثلیث تولید نامحدود، آزادی مطلق و شادکامی همگان، هسته مذهب جدیدی را تشکیل داد. «بهشت خاکی پیشرفت» می‌رفت تا جای بهشت موعود خداوند را بگیرد... این رؤیا که ما حاکم مستقل بر زندگی خود هستیم، هنگامی پایان یافت که دریافتیم در ماشین دیوان‌سالاری مهره‌ای بیش نیستیم» (فروم، الف ۱۳۸۸). در این عصر انسان اسیر و گرفتار زندگی ماشینی شده و با تملک هرچه بیشتر در صدد تأمین رفاه، شادی و سعادت خود برآمد، غافل از آنکه به تعبیر فروم «هنر زیستن» را فراموش کرده است، حال آنکه زندگی عصر حاضر و حاکمیت صنعت و تکنولوژی مانع از زیستن انسان براساس طبع و منش بارور انسانی شده است. فروم معتقد است «آگاهی، اراده، تمرین، تحمل ترس و تجربه جدید برای تغییر انسان و کسب موفقیت در زندگی، ضرورت دارند» (فروم، ۱۳۹۳).

طبق نظر فروم، خصوصیات رفتاری افراد بیان‌گر بخش بزرگی از ویژگی‌های شخصیتی او است و این رفتارها طی فرآیند برقراری ارتباط انسان با دیگران و چگونگی تأمین رفاه خود از طریق اصل مالکیت نمود می‌یابد. «پایه بنیادی منش بر انواع مشخصی از وابستگی شخص به جهان است. در روند زندگی انسان خود را به دو طریق با جهان مربوط می‌کند: ۱- با به دست آوردن و جذب اشیا و ۲- با ارتباط با مردم و (خودش)» (فروم، ۱۳۹۳).

فروم با بررسی روان‌شناسانه رفتارگرا به بررسی رفتار انسان و تحلیل خصوصیات جهت‌گیری‌های شخصیت وی می‌پردازد. در این عملکرد، منش انسان را از دو نوع جهت‌گیری غیربارور و جهت‌گیری بارور خارج نمی‌داند:

۱-۵. جهت‌گیری‌های غیربارور

انسان برای برآورده کردن نیازهایش به تولید و برای دوری از تنهایی و تجرد به ارتباط با دیگران روی می‌آورد و «منش او تا حدودی متأثر از یادگیری اجتماعی - فرهنگی است و در طول زندگی رشد می‌کند. هر یک از ابعاد سرشتی و منشی در یک دستگاه تعاملی، تجربه‌های زندگی را راه اندازی و هدایت می‌کنند» (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۳). فروم در مدل خود، جهت‌گیری‌های غیربارور منش انسان را بر پایه برقراری ارتباط با دیگران و تملک در چهار بعد گیرنده، مال‌اندوزی، استثمار و بازاری تعریف می‌کند. به باور فروم انسان‌ها می‌توانند چیزهایی را از طریق یکی از چهار جهت‌گیری غیربارور به دست آورند. با این حال، جهت‌گیری‌های غیربارور کاملاً منفی نیستند، بلکه هر کدام جنبه مثبت و منفی دارند. شخصیت انسان آمیزه‌ای از چندین جهت‌گیری است، اما معمولاً یک جهت‌گیری غالب است. انسان در جهت از بین بردن تنهایی خویش، یکی از انواع جهت‌گیری‌ها را انتخاب می‌کند که هر یک مختصات خاص خود را داراست. در روش گیرنده، فرد به طور انفعالی متکی بر حمایت عوامل خارجی مثل دولت، والدین، همکاران یا دوستان می‌شود. در روش استثمار، فرد با مهارت و زیرکی دیگران را مورد استثمار قرار می‌دهد. در چنین فردی خصومت، بدگمانی، رشک و حسادت متداول است. در منش مال‌اندوز، فرد امنیت را با مالکیت مساوی می‌داند و همه کس و همه چیز را حتی همسرش را به عنوان یک شی در نظر می‌گیرد. از نظر این جهت‌گیری، ارزش شخصیت افراد براساس مقدار پول یا ثروتی که دارند، تعیین می‌شود. با بررسی دیوان سیمین بهبهانی براساس طرحی که از فروم در دست داریم، پاره‌ای از اشعار یافت شد که گویای جهت‌گیری‌های غیربارور منش شاعر است.

۱-۱-۵. جهت‌گیری گیرنده

در جهت‌گیری گیرنده، شخص احساس می‌کند که «منبع همه خوبی‌ها» در بیرون است و معتقد است که تنها راه تأمین خواسته‌هایش به دست آوردن آن‌ها از منابع خارجی است. «در این نوع جهت‌گیری، عشق منحصراً به معنای «محبوب واقع شدن» است نه عشق ورزیدن. این دسته از مردم در برابر بی‌مهری و بی‌توجهی شخص مورد علاقه و عشق خود بسیار حساسند... همواره در جست‌وجوی یک «معجزه‌گر» هستند. اینان بسیار وفادارند و به طور فزاینده‌ای

وابسته به دیگران می‌شوند و در تنهایی احساس سرگشتگی می‌کنند. به طور کلی، می‌توان گفت این قبیل اشخاص خوش‌بین و مهربانند» (فروم، ۱۳۷۰). از ویژگی‌های مثبت افراد گیرنده وفاداری، پذیرفتن و اعتماد است؛ در عین حالی که باعث سلطه‌پذیری، حساس بودن و فقدان اعتماد به نفس (ویژگی‌های منفی) شخص می‌شود. ارتباط شخص با بیرون می‌تواند از طریق عشق، محبت، دانش و... باشد. در شعر زیر، شاعر با «رسن‌های وفا» و تشبیه شاخه‌های درخت تاک به رسن در پی مفاهیمی چون وفاداری و وابستگی (ویژگی مثبت) است. همچنین اشتیاق پوشیده‌ای در مصراع آخر وجود دارد که به نظر می‌رسد این شوق از سر «محبوب واقع شدن» وی از میان دیگران در نظر محبوب باشد:

به رسن‌های وفا، پای گریز تو بیندم همچو تاکی که ز هر شاخه‌ی او رسته رسن‌ها
آه‌سین! دل آن دوست بدست آر و مرنجان زان که آمد ز همه خلق جهان، سوی تو تنها
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

شاعر در جای دیگر با شرح شعری داستان‌وار از ماجرای زن و هووی او به حساس بودن (ویژگی منفی) آن زن نسبت به کم‌توجهی یا بی‌مهری همسرش چنین اشاره می‌کند:

طفل من بیمار بود اما پدر نقل و شیرینی پی این زن خرید!
من به سختی ساختم تا بهر او دستبند و جامه و دامن خرید!
(همان)

تعالی خویشتن یکی از نیازهای روحی انسان است، زیرا انسانیت انسان در جست‌وجوی او برای دسترسی به یک معنا و هدف، مفهوم می‌یابد. جست‌وجوی معنا و خوبی‌ها باید در خارج از وجود فرد محقق شود. از این رو، فرد نیاز دارد تا این معنا را در شخص یا چیزی غیر از خود پیدا کند. در این مسیر هر چه از خویشتن فاصله بگیرد و به معنای مورد نظر نزدیک شود، قابلیت‌های انسانی خود را بیشتر محقق می‌سازد. در این رابطه فرانکل، روان‌شناس مشهور، گوهر هستی انسان را در «از خود برگزشتن» می‌داند (فرانکل، ۱۳۸۱) و انسان را موجودی از خود «فرارونده» معرفی می‌کند. «آنچه من آن را تعالی وجود خویشتن نامیده‌ام به معنای این حقیقت اساسی است که انسان بودن به معنای وابستگی به شخصی یا چیزی دیگر سوای خود است. حال چه این وابستگی، تحقق بخشیدن به یک معنا باشد یا رویارویی

با دیگر انسان‌ها و اگر این تعالی خویشان تحقق نیابد، گوهر وجود سقوط می‌کند و از بین می‌رود» (فرانکل، ۱۳۸۳).

۵-۱-۲. جهت‌گیری مال‌اندوز

در این جهت‌گیری، اشخاص به آنچه از دنیای خارج به دست می‌آورند، اعتماد کمتری دارند. امنیت و ایمنی آن‌ها در مال‌اندوزی و پس‌انداز کردن است و خرج کردن را تهدید تلقی می‌کنند. این اشخاص حتی در احساسات، عواطف، افکار و مادیات خسیس هستند. آن‌ها عشق‌ورزی نمی‌کنند، بلکه سعی دارند از طریق مالک شدن به محبوب خود دست یابند؛ بنابراین، عشق از نظر آنان یک تملک است. «احساساتی بودنشان سبب می‌شود که گذشته‌ها را خاطره‌هایی طلائی بدانند و در حسرت تجربیات و محسوسات سپری شده باشند... از نظر آنان مرگ و نابودی بیشتر از زندگی و رشد حقیقت دارد» (فروم، ۱۳۷۰). از ویژگی‌های مثبت این جهت‌گیری می‌توان به نظم و خوش‌قولی و از ویژگی‌های منفی می‌توان به شخصیت محترک، وسواس و فقدان خلاقیت اشاره کرد.

در اشعار بهبهانی مواردی وجود دارند که بیان‌گر اندیشه تملک‌مآبانه انسان عصر حاضر است. این اندیشه در بالاترین سطح آن، که مالکیت بر انسان است نه اشیا و سایر جانداران، نمود پیدا می‌کند:

نه تنها مرکب و کاخ توانگر میان دیگران ممتاز باید:
زن اشراف هم ملک است و این ملک ظریف و دلکش و طنز باید
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

در این شعر سخن از طبقه بالای جامعه؛ یعنی اشراف و توانگران است که در آن زن مانند ملک در تملک توانگران (ویژگی منفی) قرار می‌گیرد. آن‌ها در رابطه عاشقانه، سعی می‌کنند معشوق خود را به تصرف درآورند و به جای اینکه اجازه دهند این رابطه، تغییر و رشد کند، آن را محفوظ نگه می‌دارند. فروم بالاترین لذت و شادی را در مالکیت بر انسان می‌داند؛ «شاید بالاترین لذت در مالکیت بر موجودات زنده باشد نه مالکیت بر

اشیا. در جامعه پدرسالاری^۱ حتی تنگدست‌ترین مردان در فقیرترین طبقه می‌توانند مالک باشند و مایملکی داشته باشند؛ در رابطه با همسر، فرزندان و حیوانات که بر آن‌ها تسلط مطلق دارند» (فروم، الف ۱۳۸۸). در شعر اخیر نیز شاعر زن را در میان توانگران مانند ملکی که دارای ویژگی‌هایی مانند طنازی، دلکشی و ظرافت (ویژگی‌های مثبت) است به تصویر می‌کشد.

۳-۱-۵. جهت‌گیری استثماری

پایه و بنیاد جهت‌گیری استثماری نیز مانند جهت‌گیری گیرنده بر این احساس است که منبع تمام خوبی‌ها در بیرون است. با این تفاوت که در جهت‌گیری استثماری «شخص توقع ندارد که خواسته‌های خود را به عنوان هدیه و عطایا از سایرین دریافت کند، بلکه آن‌ها را به زور یا نیرنگ و زرنگی به دست می‌آورد... شرط مورد توجه بودن از نظر آن‌ها وابستگی به شخص دیگر است، آنان عاشق شخصی غیر وابسته و آزاد نمی‌شوند... در نظر آنان هر کسی هدفی برای استثمار است و بر حسب میزان مفید بودنش برای این منظور مورد قضاوت قرار می‌گیرد. اینان بدبین و بدگمان و حسود هستند» (فروم، ۱۳۷۰).
در شعر زیر بدبینی و بدگمانی به وفای محبوب، همراه با اغواگری و تکبر (ویژگی‌های منفی) به وضوح بیان‌گر منش استثماری است:

مگر هنوز به خاطر، تو را خیال من است که هر کجا به زبان تو شرح حال من است؟
عجب ز آینه‌ی قلب تو، که در آن نقش ز بعد رفتن من، باز هم خیال من است
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

سیمین در جای دیگر حس حسادتش را به ابر تیره تشبیه کرده که از سر خودخواهی (ویژگی‌های منفی) اجازه رفتن به بام دیگری به چرخ نمی‌دهد:

۱. فروم معتقد است که رنسانس پدرسالاری اثرات مثبت و منفی را در جامعه از خود به جای گذاشته است. از جنبه‌های مثبت جامعه پدرسالاری می‌توان به «گرایش به منطق و رشد وجدان اجتماعی و فردی» (فروم، ۱۳۹۴) اشاره کرد. برای اطلاعات بیشتر درباره پدرسالاری و مادرسالاری ر.ک: زبان از یاد رفته (فروم، ب ۱۳۸۸).

«چو ابر تیره حسودم، روا ندارم چرخ ز بام غیر تو را همچو اختر آویزد
به خانه گرچه اسیرم، خیال من با توسست
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

و یا علاقه‌مندی به معشوقی که چون مرغ شکسته بال در دام او است و از سر غرور (ویژگی مثبت) و تکبر، پرخاشگرانه (ویژگی‌های منفی) به او تذکر می‌دهد که وی را با دلربایی (ویژگی مثبت) به چنگ آورده است:

چو آرزو به دلم خفته‌ای همیشه و حیف که آرزوی فریبنده و محال منسی
هوای سرکشی این طبع من، مکن! که دگر اسیر عشقی و مرغ شکسته بال منی
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

از جمله ویژگی‌های منفی منش‌های استثماری خودخواهی، تکبر و اغواگری است و اعتماد به نفس، غرور، دلربایی و.. از ویژگی‌های مثبت آن‌هاست.

در نمونه زیر سه جهت‌گیری گیرنده، مال‌اندوزی و استثماری با هم در منش یک فرد مشهود است. شاعر در ابتدا مدعی است که می‌تواند خاطره‌های یار را فراموش کند، اما در اصل این کار را غیرممکن می‌داند؛ وی در و دیوار را استعاره از لوح دل و جان خود می‌داند که خاطره یار بر آن نقش بسته است (مال‌اندوزی)، ترس از تنهایی و سرگشتگی نیز از دردمند بودن به دلیل دوری یار استنتاج می‌شود (گیرنده)، حسادت به آن دیگری که معشوق او را برگزیده است (استثماری)، زندگی و هستی انسان توسط ایام به تاراج رفته و از دست می‌رود و توجه به حقیقت مرگ و نابودی (مال‌اندوزی)، همگی بیان‌گر جهت‌گیری‌های غیر بارور منش‌اند:

گفتم که خاطراتت را از یاد می‌توانم ببرد
مانده‌ست بر در و دیوار صدها نشان یاد آور...
این درد با که باید گفت؟ یار از برم گریزان شد
تا دیگری به بر دارد دیگر نگیرم در بر...
تاراجگاه ایام است این باغ بی‌در و پی‌کر

آیات تمام شد یاری؟ آری تمام شد، آری
مرگت رسیده است ای دل گیرم نمی‌کنی باور...
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

۵-۱-۴. جهت‌گیری بازاری

فروم، منشی را که «ریشه‌اش در تجربه شخصی به عنوان کالا و ارزش شخص به منزله ارزش مبادله‌ای باشد، جهت‌گیری بازاری» (فروم، ۱۳۷۰) می‌نامد. چون موفقیت به میزان زیاد موکول به طرز فروش و عرضه شخصیت است؛ بنابراین، شخص خود را کالا و یا فروشنده کالای فروشی تجربه می‌کند. انسان نگران زندگی و رفاه خود نیست، بلکه علاقه‌مند به قابل فروش شدنش است؛ زیرا در بازار شخصیت باید باب روز شد و برای این منظور باید بدانیم که چه شخصیتی طالب و خواهان بیشتری دارد. فروم این ویژگی منش انسان در «بخش آزادی و مقوله اسارت نفس و از دست دادن استقلال توسط پدیده هم‌رنگی با افکار عمومی و تسلط زندگی ماشینی بر فرد» (فروم، ۱۳۷۰) مورد بررسی قرار می‌دهد. در چنین منشی، انسان شخصیت خود را همچون کالا در بازار عرضه می‌دارد. فروم در تحلیل ویژگی‌های شخصیتی، این عملکرد انسان امروز را از ویژگی‌های منش بازاری می‌داند. در شعر زیر بهبهانی خطاب به خود (با نام کولی)^۱ مرگ آزادی را با تعبیر «هلاکی خموش» بیان کرده است و آوازه‌خوانی را بر خود واجب می‌داند، زیرا این ویژگی موردپسند دیگران است و انسان امروز باید طبق خواست دیگران ویژگی‌های موردپسند خود را همچون کالا عرضه دارد:

کولی! برای نـمـردن باید هـلاکـیِ خـمـوشـی!
یعنی: به حرمتِ بودن باید ترانه بخوانی.
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

۱. کولی در ادبیات فارسی الهه عشق هزار رنگ است. «عشق رنگارنگی که تمام صحنه‌های شاد و ناشاد زندگی را به دوش می‌کشد تا هم بترساند و هم امید بدهد، هم هشدار دهد و هم شاد گرداند.» (ابراهیمی، ۱۳۹۲) کولی «مظهر دربه‌دری‌ها و آوارگی‌های زن ایرانی می‌شود. آشیانه‌ای از خود ندارد. پیوسته در سرگردانی است. خانه به دوش است.» (دهباشی، ۱۳۸۴)

فروم نتیجه این فروش شخصیت را ناباروری و ناشادی می‌داند و بهبهانی با این نوع منش مخالف است، اما در عین حال خواست مردمی که در خواب غفلت فرو رفته‌اند به این سمت روان است و روح آنان مانند بیماری بازیچه دست قدرت شده است:

گوش است و صدایی نه، چشم است و صفایی نه جز ناله ناکامی، جز آیه بی‌زاری
این پرده خاموشی، این گرد فراموشی چون عایق سُرُبی شد سرپوش تبه کاری
در خواب گران، خلقی، پویان و دوان هرسو روح همگی اما، بازیچه‌ی بیماری
(همان)

افراد در این جهت‌گیری در مقایسه با سایر جهت‌گیری‌های دیگر صفات مثبت کمتری دارند، زیرا پوچ هستند و منتظرند تا مملو از ویژگی‌هایی شوند که بیش از همه قابل عرضه‌اند. برخی از ویژگی‌های مثبت شخصیت بازاری این است که آن‌ها تغییرپذیرند، خالی از تعصب، سازش‌پذیر و سعادت‌مند هستند.

۲-۵. جهت‌گیری بارور و خودانگیزگی

فروم تحقق باروری شخصیت انسان و آزادی مثبت^۱ وی را در گرو فعلیت یافتن قوای درونی وی در حیطه برقراری ارتباط با دیگران می‌داند؛ برای محقق ساختن نفس باید همه شخصیت از قوه به فعل برسد و استعدادات هیجانی و ذهنی آدمی هر دو بیان شوند تا به ظهور برسند و حقیقی شوند. در جهت‌گیری بارور که همان تحقق خودانگیزگی انسان است، تکامل و رشد انسان هدف غایی و آرمان فروم است. در این مفهوم، انسان با به کار گرفتن توانایی‌های بالقوه خود در اجتماع می‌تواند خویشتن خود را تعالی ببخشد؛ «در گفت‌وگو از منش بارور من در فراسوی تحلیل انتقادی در جست‌وجوی ماهیت و منش کاملاً تکامل یافته‌ای خواهم بود که هدف تکامل انسان و در عین حال کمال مطلوب اصول اخلاقی انسانی است... باروری به معنای توانایی انسان در به کار بردن نیروهای خود و پی بردن به توانایی‌های بالقوه ذاتی خویش است» (فروم، ۱۳۷۰).

۱. به عبارت دیگر «آزادی مثبت عبارت است از فعالیت خودانگیزخته مجموع تمامیت یافته شخصیت.» (فروم، ۱۳۶۶)

در جهت گیری بارور فرد مولد، فردی سالم، بالغ و فعال است که حداکثر تلاش خود را برای استفاده از امکانات و توانایی‌های خود برای رشد و تعالی فردی و بهبود جامعه‌اش به کار می‌بندد. بنابراین، باروری در نظر فروم، درک خصوصیت‌های بالقوه شخص به وسیله خود او و بهره‌گیری از نیروهایش است. این بهره‌گیری می‌تواند در زمینه‌های گوناگونی باشد؛ از فعالیت خودانگیخته یک کودک گرفته تا فعالیت یک هنرمند یا ادیب و شاعر؛ زیرا افکار و احساسات کودکان متعلق به خودشان است و این خودانگیختگی در آنچه می‌گویند و می‌اندیشند و احساساتی که بر چهره ظاهر می‌کنند به خوبی هویدا است. در قالبی که فروم از فعالیت خودانگیخته ارائه می‌دهد، منظور فعالیت آزادانه نفس است و مراد از فعالیت «انجام دادن کاری» نیست، بلکه کیفیت آفریننده‌ای است که می‌تواند هم در تجربه‌های هیجانی، فکری و حسی آدمی و هم در ارادات وی وارد عمل شود.

از خلاقیت‌های بهبهانی که گویای باروری خصلت ادیبانه وی است، خلق شخصیتی به نام «کولی» در اشعارش (متمایز با مفهوم غالب آن در جامعه) است. در فرهنگ ایرانی کلمه کولی مفهیمی چون بی‌پروایی، بی‌قیدی، آزادی، پیوسته در حرکت بودن و گریز از سکون و سکونت را در خود دارد. کولی‌گری در زبان فارسی بار منفی دارد و لغت‌نامه‌ها آن را مترادف «غرشمالی، ارقگی و داد و فریاد بیهوده کردن» می‌دانند (دهخدا، ۱۳۷۷). «اما سیمین از کلمه کولی آشناندایی کرده و بار معنایی خاصی به آن بخشیده؛ یعنی همان کاری که حافظ در مورد «پیر مغانم و «رند» انجام داده است. با این بار ارزشی جدید کولی نماد زن ایرانی یا خود شاعر است:

کولی منم، آه! آری

این جا به جز من کسی نیست؛

تصویر کولی ست پید

رویم در آینه‌ها تا هست.

کولی سیمین انسانی آگاه است و آزادی را حق خود می‌داند.

(سید رضایی، ۱۳۸۹)

خلق شخصیت کولی علاوه بر دلالت بر پویایی ذهن نقاد بهبهانی در پی شکافتن تاروپود بسیاری از ارزش‌های سنتی درباره زنانگی به ویژه درباره «جای زن» است.^۱ تحول در ویژگی‌های زنی که پیوسته در پستوی خانه رام و مطیع، زندانی قدرت‌خانه، عقاید و افکار عمومی است، این زن در شعر سیمین ویران‌گر دیوار اسارت گردیده، پیوسته در حرکت و نقل مکان است.

سیمین بهبهانی همچنین در زمینه وزن شعر فارسی معاصر، نوآوری و خلاقیت خود را اثبات کرده است. او با ابداع اوزان جدید با رعایت قوانین عروض کهن به ابداع در این زمینه دست زده است. وی در این خصوص می‌گوید: «واقعیت این است که در بسیاری از مواقع، وزن و قافیه برای شاعری که حرفی برای گفتن داشته باشد، نه تنها قید نیست، بلکه عصای دست هم هست. نقاشی که با تکنیک آشناست خوب می‌داند که از کدام بوم و در کدام چارچوب و اندازه و از کدام رنگ استفاده کند تا نقش خود را بیافریند. شاعر خوب هم می‌داند که از کدام وزن و از کدام قافیه استفاده کند و در چارچوب کدام تعبیر کار کند تا شعرش کمال پذیرد» (بهبهانی، ۱۳۷۸). بیش از ۹۰ درصد اشعار سیمین که در بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۱ سروده شده، دارای اوزان تازه و نادر است. «اگرچه در نگاه نخست به دلیل مانوس نبودن خواننده با اوزان ابداعی سیمین، اشعار او چندان خوش‌آهنگ به نظر نمی‌رسد، اما به تدریج بر اثر کاربرد زیاد و انس و عادت، زیبایی و دل‌نشینی آن احساس می‌شود» (محمدی، ۱۳۹۰) سیمین، ۶۳ وزن تازه و بی‌سابقه و ۲۵ وزن نادر را در اشعارش به کار برده است.

علاوه بر این، برجسته‌ترین غزل‌های سیمین، غزل‌هایی است با مضامین انسانی، اجتماعی و فلسفی که این نوع غزل‌ها او را شاعری صاحب سبک و سخنوری مبدع معرفی کرده است. سیمین خود در این باره می‌گوید: «با ممارست و تمرین یاد گرفتیم که مطلب را با کلماتی صیقل خورده و انتخاب شده در غزل بشانم تا میان ظرف و مظهر، تناقض و تضادی ایجاد نشود و آن را از حالت نرم و لطیف و خوش‌آیند اصلی خارج نکند» (بهبهانی، ۱۳۵۲). شریعتی از جمله علل خلق یک اثر هنری را کمبود چیزی می‌داند که هنرمند با خلق آن در پی جبران است؛ «کسی که به یک خلق هنری دست می‌زند برای این است که از کمبود و از نبودن چیزی در عالم واقعیت رنج می‌برد. آرایش، تزئین خانه، نقاشی ساختمان و... در صورت

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره کولی و ارتباط آن با روح عاشق سیمین بهبهانی ر.ک به مقاله «تفسیر کاربردی گونه‌های مختلف معشوق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریات اریک فروم» (۱۳۹۶) و «تحلیل ماهیت عشق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریات اریک فروم» (۱۳۹۶)

کمبود به وجود می‌آید. انسان می‌خواهد یک کمبود را جبران نماید و از آنچه هست، ناراضی است و احساس کمبود می‌کند و می‌خواهد به واسطه هنر آن را جبران کند» (شریعتی، ۱۳۸۱). بهبهانی با احساس کمبود مضامین، وقایع و مسائل اجتماع در شعر با ابداع سبک جدیدی از غزل علاوه بر مضامین عاشقانه، محتویات اجتماعی و مسائل جامعه را در آن گنجانده است. وی با این ابداع باعث خلاقیت، رشد و تعالی شخصیت خویش در این رابطه شده است. از نظر فروم می‌توان این خلاقیت و نوآوری را دلیل باروری و خودانگیختگی وی دانست؛ خودانگیختگی‌ای که در عین حال نشان‌دهنده آزادی نفس شاعر از خواست و عقیده عموم شاعران پیش از وی است.

فروم در وجدان انسان‌مدارانه، باروری و تکامل را در اعمال و احساسات می‌داند و هر عملکردی که منجر به زیان و ناخشنودی شود از جانب وجدان گناهکاری است که طبق میل وجدان انسان‌محور خواسته‌های خیر را برآورده نکرده است؛ «اعمال، افکار و احساس‌هایی که راهبر به کارهای درست بوده و نشان‌دهنده شخصیت کلی ما هستند، یک اومانیتیک را به وجود می‌آورند. علاوه بر این، اعمال و احساس‌هایی که برای شخصیت ما زیان آورند، سبب ناراحتی و ناخشنودی می‌شوند که از خصوصیات «وجدان گناهکار» است. پس وجدان عبارت است از واکنش ما نسبت به خودمان. ندای «خود» حقیقی ما است که ما را به برگشت به خود به زندگی بارور به تکامل گسترده و هماهنگ دعوت می‌کند؛ یعنی آنچه بالقوه هستیم - بشویم» (فروم، ۱۳۷۰).

مطهری در نقد این دسته از متفکرین به ظاهر روشنفکر غرب؛ یعنی فروم و امثال او می‌گوید: «این‌ها چون اساس کارشان را بر این گذاشتند که «واقعیت»؛ یعنی محسوس و مادی، آمدند گفتند که انسان یا جست‌وجوگر خیر است - که خیر؛ یعنی همان سود و منفعت مادی - و یا جست‌وجوگر چیزی است که هیچ چیز نیست، فقط ارزش است، همان کلمه «سود و ارزش» که در فلسفه اروپا آمده و چه انحراف بزرگی هست در فلسفه انسانی» (مطهری، ۱۳۸۹). فروم در جای دیگر، ضمن نقد یکسر «شر» یا «خیر» قلمداد کردن شخصیت انسان، می‌نویسد: «کسی که یکسر شر یا خیر است، دیگر حق انتخاب ندارد. تقریباً هر کسی می‌تواند به جهت‌گیری کهن بازگردد یا به سوی شکوفایی کامل شخصیت خویش حرکت کند» (فروم، ۱۳۸۷). هدف فروم از «امکان و استعداد خیر و شر در وجود آدمی» همان اصل «خشتی تلقی کردن انسان» است که اجتماع و شرایط مادی حاکم بر آن، سازنده شخصیت او معرفی می‌شوند. این

شکوفایی وی می‌تواند از طریق منش بارور صورت بگیرد. در نقد نظر فروم می‌توان گفت به فعلیت رساندن قوای درونی به هر نحوی نمی‌تواند موجب باروری و تکامل خود شود، چه بسا این عمل موجب بروز خلاقیت‌هایی شود که در مسیر فضیلت و به نفع جامعه بشری نباشد، پس هر خلاقیتی را نمی‌توان موجب بارور شدن، تعالی و کمال یافتن دانست.

علاوه بر این، فروم که درصدد رفع بحران اخلاقی بشر معاصر است با گنجانیدن مفاهیمی چون مسئولیت، احترام و... در الگوی «عشق بارور» خود بر آن است تا به نوعی در بشر نفس محور تعهد اخلاقی پدید آورد، زیرا می‌داند که خوی ویران‌گر بشر جدید که محصول اومانیزم است، تمدن غربی را به انحطاط خواهد کشاند. وی در عشق نیز مانند سایر فعالیت‌های انسان به نوع بارور و غیر بارور^۱ معتقد است. عشق بارور «نزدیک‌ترین رابطه بین دو شخص که در آن منزلت و احترام هریک محفوظ است، پدیده‌ی وفور بوده و توانایی در آن نشانه بلوغ انسان است. لذت و شادی با عشق بارور ملازمه دارد» (فروم، ۱۳۹۴).

۱. در مقابل عشق بارور، عشق غیر بارور یا غیر منطقی (همزیستی مازوخیسم یا سادیسم) وجود دارد که در آن رابطه بین طرفین بر مبنای احترام و منزلت متقابل نبوده بلکه دو شخص بهم وابسته می‌شوند، زیرا توانایی اتکا و وابستگی به خود را ندارند. این عشق، مانند سایر تمایلات غیر منطقی بر پایه کمبود، فقدان باروری و ایمنی درونی است. از نمونه‌های عشق غیر بارور در اشعار سیمین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

گفتم که: «گذارم به پای تو سر تسلیم
گفتی که: «نخواهیم کسی را که سری هست...»
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

و یا در این ابیات که اضطراب معشوق باعث آرامش عاشق می‌شود، نوعی عشق ناباور را به خواننده القا می‌کند:

افتاده بودم ز پای	دستم گرفتی به مهر
برخاستم تا ز جای	نشناختی دیگرم
آیا پریشان‌انیم	آرامشست می‌دهد؟
این است اگر پس بیا:	اکنون پریشان‌ترم

(همان)

تمایل به تجربه کردن اتحاد با دیگران را می‌توان در پست‌ترین نوع رفتار نیز دید؛ یعنی «در سادیسم و ویرانگری، همچنین این میل در عالی‌ترین نوع رفتار نیز بروز می‌کند: پیوستگی و احساس مسئولیت مشترک بر مبنای یک فکر یا عقیده» (فروم، ج ۱۳۸۸).

عشق بارور در اشعار سیمین حتی تا آنجا پیش می‌رود که درد عشق برای او لذت، هیجان و شادی دارد:

دلم خون شد ز بی‌دردی خدایا! چو می‌نالم، مگو از ناسپاسی‌ست
اگر دردی در این دنیا نباشد کسی را لذت شادی عیان نیست
چه حاصل دارم از این زندگانی که گر غم نیست شادی هم در آن نیست!
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

بحث و نتیجه‌گیری

فروم و بهبهانی به جایگاه انسان در هستی، تکامل، سعادت و رسیدن او به خیر و تعالی توجه دارند، اما مراحل تعالی شخصیت در اشعار بهبهانی با تکیه بر دین‌محور بودن و عدم توجه وی به انسان‌محور بودن جامع‌تر و گسترده‌تر از دیدگاه انسان‌گرایانه اریک فروم است.

دیدگاه انسان‌محور فروم در تقابل با آیین اقتدارگرایی قرار دارد و بهبهانی نیز با این نوع اقتدارگرایی مخالف است، اما وجه اختلاف میان آن‌ها در تعمیمی است که فروم به تمامی مراجع قدرت می‌دهد و هر نوع قدرتی را رد می‌کند.

از دیدگاه فروم جامعه معاصر چند نوع جهت‌گیری ناسالم از جمله منش‌گیرنده، استثمار، مال‌اندوز و بازاری در انسان‌ها پدید می‌آورد. پاره‌ای از اشعار در دیوان بهبهانی یافت شد که گویای جهت‌گیری‌های غیربارور منش شاعر در رابطه با این جهت‌گیری‌ها آمده است. اما جهت‌گیری‌های غیربارور در اشعار بهبهانی کاملاً منفی نیستند، بلکه در آن ترکیبی از ویژگی‌های مثبت و منفی منش‌ها وجود دارد.

فروم تکامل انسان را در جهت‌گیری بارور می‌داند؛ زیرا انسان از تمام توانایی‌ها و خلاقیت‌هایش برای تعالی و تکامل بهره می‌گیرد. از خلاقیت‌های بهبهانی در منش بارور که موجب رشد و تعالی شخصیت او شده است؛ خلق شخصیتی به نام «کولی»، ابداع و نوآوری زمینه سبک خاص شعری او؛ یعنی غزل و همچنین در زمینه وزن شعر فارسی معاصر، ابداع اوزان جدید با رعایت قوانین عروض کهن (۶۳ وزن تازه و بی‌سابقه و ۲۵ وزن نادر) نوآوری و خلاقیت خود را اثبات کرده است.

بهبهانی مانند فروم در اشعار خودش به عشق بارور که موجب تعالی انسان می‌شود، اشاره می‌کند، اما در عین حال شاهد حضور عشق غیربارور نیز در اشعار وی هستیم.

در مجموع هدف نهایی فروم از طرح جهت گیری های بارور و اخلاق انسان گرا ارائه راه حل برای هدایت انسان به سوی تکامل و شکوفایی است. با وجود این می توان گفت که آرای وی دارای تضاد است؛ چرا که در نظر او باروری انسان به مفهوم تحقق خلاقیت است، اما وی از این نکته غافل شده است که هرگونه آفرینندگی و خلاقیت منجر به سعادت و شادی نمی شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Zahra Ghanbarali Baghni



<https://orcid.org/0000-0001-6282-4548>

Shahin Ojaghalizadeh



<https://orcid.org/0000-0002-3421-546x>

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۷۶). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ابراهیمی، مختار. (۱۳۹۲). گرایش فمینیستی در شعر سیمین بهبهانی. *زن و فرهنگ*، ۱۶(۴)، ۶۹-۸۱.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۹۶). *فرهنگ لغت انگلیسی-فارسی*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۵۲). *رستاخیز*. چ ۱. تهران: زوآر.
- _____ (۱۳۹۴). *مجموعه اشعار*. تهران: نگاه.
- _____ (۱۳۷۸). *یاد بعضی نفرات*. چ ۱. تهران: نشر البرز.
- حسن لی، کاووس. (۱۳۸۵). بررسی عناصر زندگی معاصر در شعر سیمین بهبهانی. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (ویژه نامه زبان و ادبیات فارسی)*، ۳(۲۵)، ۸۵-۱۰۰.
- دهباشی، علی. (۱۳۸۴). *زنی با دامنی شعر*. تهران: نگاه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- دهقان سیمکانی، رحیم. (۱۳۹۱). *نگاهی انتقادی به مبانی تفکر اخلاقی سارتر*. *معرفت اخلاقی*، ۲(۳)، ۵۱-۷۷.
- عزیزی، امیر و دیگران. (۱۳۹۳). نقش صفات شخصیتی منش در پیش بینی کیفیت راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان زندانیان. *مددکاری اجتماعی*، ۳(۳)، ۳۸-۳۱.

سیاسی، علی اکبر. (۱۳۹۷). *نظریه های شخصیت یا مکاتب روان شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سید رضایی، طاهره. (۱۳۸۹). *زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد*. زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، ۱(۱)، ۹۷-۱۲۲.

شریعتی، علی. (۱۳۸۱). *مجموعه آثار ۳۲*. تهران: چاپخش.

فروم، اریک. (۱۳۷۰). *انسان برای خویشتن*. ترجمه اکبر تبریزی. چ ۳. تهران: انتشارات کتابخانه بهجت.

_____ (۱۳۸۰). *انقلاب امید در ریشه های عوامل غیر اومانستی جامعه صنعتی*. حمید روشنگر. تهران: مروارید.

_____ (۱۳۹۴). *جامعه سالم*. ترجمه اکبر تبریزی. چ ۷. تهران: بهجت.

_____ (الف ۱۳۸۸). *داشتن یا بودن*. ترجمه اکبر تبریزی. چ ۱۰. تهران: فیروزه.

_____ (۱۳۸۷). *دل آدمی و گرایش به خیر و شر*. ترجمه گیتی خوشدل. چ ۱۱. تهران: نشر نو.

_____ (ب ۱۳۸۸). *زبان از یاد رفته*. ترجمه ابراهیم امانت. چ ۹. تهران: فیروزه.

_____ (۱۳۶۶). *گریز از آزادی*. ترجمه عزت الله فولادوند. چ ۴. تهران: مروارید.

_____ (۱۳۹۳). *هنر بودن*. ترجمه پروین قائمی. چ ۴. تهران: آشیان.

_____ (ج ۱۳۸۸). *هنر عشق ورزیدن*. ترجمه سمیه سادات آل حسینی. تهران: جاجرمی.

فرانکل، ویکتور امیل. (۱۳۸۱). *انسان در جست و جوی معنای غایی*. ترجمه احمد صبوری و عباس شمیم. تهران: صدا-قصیده.

_____ (۱۳۸۳). *فریاد ناشنیده برای معنا*. ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا. چ ۲. تهران: فراروان.

قنبر علی باغنی، زهرا و شهین اوجاق علیزاده. (۱۳۹۶). *تفسیر کاربردی گونه های مختلف معشوق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریات اریک فروم*. فصل نامه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، ۹(۳۲)، ۲۷۳-۳۱۰.

_____ (۱۳۹۶). *بررسی مفهوم امید در اشعار سیمین بهبهانی با*

تکیه بر دیدگاه اریک فروم. زبان و ادب فارسی، ۳۲(۹)، ۶۸-۹۴.

_____ (۱۳۹۶). *ماهیت عشق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه*

بر دیدگاه اریک فروم. اضاءات نقدیه، ۲۶(۷)، ۱۱۱-۱۳۱.

مشکات، عبدالرسول (با همکاری جمعی از نویسندگان). (۱۳۹۰). *فرهنگ واژه ها: درآمدهای بر مکاتب و اندیشه های معاصر*. تهران: سمت.

- محمدی، داود. (۱۳۹۰). معرفی اوزان تازه و نادر در اشعار سیمین بهبهانی. *مطالعات زبانی و بلاغی*، ۳(۲)، ۱۱۱-۱۳۶.
- معین، محمد. (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی*. تهران: نشر سرایش.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *فطرت*. ج ۲۲. تهران: صدرا.

References

- Aaron, R. (1997). *The main stages of the study at the University of Shinas*. Translated by Baqer Parham. Tehran: Spreads of an Islamic Coup. [In Persian]
- Azizi, A. and other people. (2014). The role of personality traits in predicting the quality of positive strategies for cognitive emotion regulation of prisoners. *A social chapter*, 3(3), 31-38. [In Persian]
- Batni, M. R. (2017). *English-Persian dictionary*. Tehran: Distributions of Contemporary Farhang. [In Persian]
- Behbehani, S. (1973). *Resurrection*. First chap. Tehran: Visitors. [In Persian]
- _____. (2015). Collection of poems. Tehran: Najah. [In Persian]
- _____. (1999). Remember some people. First chap. Tehran: Alborz Publishing. [In Persian]
- Dehbashi, A. (2005). A woman with a skirt of poetry. Tehran: Nagah. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dictionary*. Tehran: Daneshgah. [In Persian]
- Dehghan Simkani, R. (2012). A Critical Look at the Foundations of Sartre's Moral Thought. *Ethical knowledge*, 3 (2), 77-51. [In Persian]
- Ebrahimi, M. (2013). Feminist tendency in Simin Behbahani's poetry". *Journal of Women and Culture*, 16(4), 69-81. [In Persian]
- Fromm, E. (1991). *Man for himself*. Akbar Tabrizi translation. chap som Tehran: Kitabkhan Bahjat publications. [In Persian]
- _____. (2001). *The revolution of hope at the roots of the non-humanist factors of industrial society*. Hamid Raushinger. Tehran: Marwarid. [In Persian]
- _____. (2015). *Healthy society*. Akbar Tabrizi Translation. 7 edition. Tehran: Bahjat. [In Persian]
- _____. (2009f). *To have or to be*. Akbar Tabrizi Translation. 10 edition. Tehran: Firouzeh. [In Persian]
- _____. (2008). *The human heart and the tendency to good and evil*. Translated by Giti Khoshdel. 11 edition. Tehran: Nou Publishing. [In Persian]

- _____. (2009B). *Forgotten language*. Translated by Ibrahim Amanat. 9 edition. Tehran: Firouzeh. [In Persian]
- _____. (1987). *Escape from freedom*. Translated by Izzatullah Foadund. _____ . (2014). *Being an art* . Translated by Parvin Qaimi. 4 edition. Tehran: Asean. [In Persian]
- _____. (2009 c). The art of making love, translated by Somaya Sadat Al-Husseini, Tehran: Jajarmi. [In Persian]
- Frankel, Victor Amell. (2002). Humans in search of meaning. Translated by Ahmad Sabouri and Abbas Shamim. Tehran: Sada-poem. [In Persian]
- _____. (2004). Unheard shouts for meaning. Translated by Mostafa Tabrizi and Ali Alavi Nia. 2 edition. Tehran: Fararwan. [In Persian]
- Ganbarali Baghni, Z. and Ojagh Alizadeh, Sh. (2017). Practical interpretation of different types of beloved in Simin Behbahani's poems based on Erich Fromm's theories . *A chapter on interpretation and analysis of the texts of Zaban and Persian literature*, 9. (32), 273-310. [In Persian]
- _____. (2017). Investigating the concept of hope in Simin Behbahani's poems based on Erich Fromm's point of view *Persian Language and Literature Quarterly* , 32(9), 68-94. [In Persian]
- _____. (2017). The nature of love in Simin Behbahani's poems based on Erich Fromm's point of view. *Rays of Criticism in Arabic and persian*, 7 (26), 111-131. [In Persian]
- Hasanli, Kawes. (2006). A study of the elements of contemporary life in the poetry of Simin Behbahani. Maryam Haidari. *Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University (Special Issue on Persian Language and Literature)*, 3 (25), 85-100. [In Persian]
- Mishkat, A. (In collaboration with a group of authors). (2011). *Glossary: An Introduction to Contemporary Schools and Thoughts*. Tehran: Smeet. [In Persian]
- Mohammadi, D. (2011). Introducing new and rare weights in Simin Behbahani's poems. *Scientific Journal of Linguistic and Rhetorical Studies. course 2*, (3), 111-136. [In Persian]
- Moin, M. (2003). *Persian culture*. Tehran: Saraish Publishing. [In Persian]
- Motahari, M. (2010). *nature, print 22*. Tehran: Sadra. [In Persian]
- Siyasi, A. A. (2018). *Personality theories or schools of psychology*. Tehran: University publications. [In Persian]
- Seyed Rezaei, T. (2010). "Woman in the poetry of Parvin Etesami, Simin Behbahani and Forough Farrokhzad . *Journal of Persian Language and*

- Literature, Islamic Azad University, Fasa Branch*, 1 (1), 97-122. [In Persian]
- Shariati, A. (2002). *Collection of antiquities 32*. Tehran: Chapakhsh. [In Persian]
- Sterenson, A. (2010). *Oxford Dictionary of English*. New york, NY: Oxford university press.

استناد به این مقاله: قنبرعلی باغنی، زهرا، اوجاقلی زاده، شهین. (۱۴۰۱). تعالی شخصیت انسان در اشعار سیمین بهبهانی بر پایه نظریه اریک فروم. *فصلنامه متن پژوهی ادبی*، ۲۶ (۹۱)، ۲۳۵-۲۶۱. doi: 10.22054/LTR.2020.43310.2719



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.

